

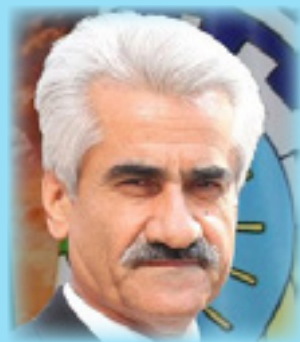
کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کره در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۸۲ دوشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۹۹، ۳۱ سپتامبر ۲۰۲۰

مصطفی هجری: درگذشت کاک طیفور بطحایی همگان را در غم و اندوه فرو برد



مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت درگذشت کاک "طیفور بطحایی" پیامی منتشر نمود.
متن پیام بدین شرح است:
درگذشت کاک "طیفور بطحایی"، شخصیت مبارز و هنرمند و نویسنده نامی کورد همگان را در غم و اندوه فرو برد. بدین مناسبت مراتب تسلیت فویش را تقدیم خانواده معزز ایشان و دوستان و یاران و بویژه هنرمندان کورد و مردم مبارز سندنه می‌نماییم.
یاد و نام ایشان جاویدان

حزب دمکرات کوردستان ایران
مسئول اجرایی
مصطفی هجری
۲۱ شهریور ۱۳۹۹ شمسی

www.kurdistanmedia.com



کودکان کار و
سیاست‌های رژیم

۷



راسان،
حرکتی استثنایی که به
قاعده تبدیل شد

۶



ما انسان‌ها
چگونه می‌توانیم با
خودمان به صلح برسیم؟

۵



حزب دمکرات:
شرفکندی این سبیل
پایمردی ...

۴

مبارزه بی وقفه مردمی ضامن پیروزی است

سخن

چرا قربانی
می‌خواهند؟

کریم پرویزی

فرمان صادر نموده‌اند که فردی را کشته و خون وی را بر خاک بریزند. این فرمان نه تازگی دارد و نه برای اولین بار است، بلکه فرمانی است که بصورت مداوم روزها و ماه‌ها و سالیان مدیدی دوباره و صدمبار و هزار باره تکرار شده‌است. از زمانیکه استعمارگر قدرت را به دست گرفته و ملیت‌های داخل جغرافیای بلارزه ایران را بازندگان جنگ می‌دانند که بر سر سفره شام خون حاکمان آورده شده و آنان را چپاول و غارت نمایند، تهران به پایتخت اعدام و گلوله‌باران و کوردستان نیز به گوشت قربانی معاملات و جشنهای اشغالگران مبدل شده است.

کشتن و قتل عام برای سیراب نمودن حاکمان خونخوار است که تنها و تنها با خون سیراب می‌شوند. حاکمان استعمارگر تهران، چه با عمامه و چه با تاج، چه با پوتین و چه با کراوات؛ تنها کوردستان را چون دشمنی می‌نگرند که هر زمان از آن غافل گشته و از آن روی گردانند، به حکومت یورش برده و کاخ پوشالی آنان را به آتش خواهد کشید! بخاطر همین خوف و وحشت عمیق است که بصورت مکرر سرکوب و تیغ ظلم بر کوردستان را محفوظ نگه می‌دارند و هرگاه نیز درصدد به وحشت انداختن باقی ملیت‌های ایران باشد، دوباره به سمت کوردستان دست درازی کرده و بصورت اتفاقی فردی را انتخاب و قربانی می‌کنند تا با زهره‌ترس کردن، مرکز نشینان را به وحشت انداخته و جرأت مخالفت و مبارزه با رژیم را در سر نپرورانند. این اقدامات و اینگونه نگرش به کوردستان و کورد از سوی تهران، بیش از یک صده است که ادامه داشته و جمهوری ولایت فقیه بسیار تندخوتر و ددمشانه‌تر از سلفیانش آن را به اجرا درمی‌آورد. زمانیکه شخصی همچون «حیدر قربانی» را در کوردستان بازداشت

ادامه در صفحه ۳



بلکه محکمتر از همیشه ادامه دارد.
در ۲۸مین سالروز ترور رهبر بزرگ ملتمان دکتر "شرفکندی" شاهد آن هستیم که یاد این رهبر بزرگ در یادها جاویدان است اما تروریست‌های رژیم ایران مرده متحرک و رسوای تاریخ هستند. گواه این سخن از سویی ادامه راه آنها از سوی مبارزان در کوه‌ها و شار است و از سویی دیگر تلاش شاگردان آنان باوجود فضای رعب و وحشت، برای یاد آنها و گرامیداشت آنان فعالیت تبلیغی انجام می‌دهند.
یاد و خاطره شهیدان میکونوس و همه شهدای کورد و کوردستان جاویدان باد.

تروریست نیز پیامد مخرب دارد و آنچه تروریست می‌خواهد در ترور پیدا نمی‌شود.
نمونه این ترورها، ترورهای مختلف رهبران جنبش کورد است که همه آنها این اهداف را دنبال می‌کردند اما آیا این شمشیر دو لبه می‌تواند تا ابد در دست دیکتاتوری ایران باقی بماند؟ آیا توانسته‌اند با این اقدامات پلید جنبش کورد را پایان دهند؟ شاید منفعت اقتصادی بعضی از حاکمان مانع آن بوده است که عدالت پیاده شود و به سود قربانی تمام شود. اما پرونده میکونوس با مجرم شناخته‌شدن رژیم اسلامی ایران به رسوایی بین المللی جمهوری اسلامی ایران بدل گشت. از سویی دیگر نه تنها مبارزه ملت کورد پایان نیافت

به هدف مبدل می‌شود.
در این حالت صاحب قدرتی ناروا برای حفظ قدرت خود آمادگی آن را دارد ارزش‌های انسانی را پایمال کند و در قبال آن به تهدید و ارعاب روی بیاورد. یکی از این روش‌ها برای ترساندن مخالفان، دگراندیشان، منتقدان و سایر مخالفان، حذف فیزیکی یا ترور است.
این همان سناریویی است که در رستوان میکونوس در آلمان و قبل از آن در وین پایتخت اتریش روی داد. یکی از اصلی‌ترین دلایل ترور میکونوس آن بود که بعد از ترور دکتر قاسملو در ۲۲ی تیرماه سال ۶۸ دکتر "شرفکندی" توانست با درایت و کاردانی خود جانشین به حق دکتر "قاسملو" شود.
اما این ترور مطمئناً برای خود

دیدگاه و خواسته‌های آن و همچنین نشان از عدم توان سازش و تعامل با طرف مقابل است.
آنچه مشخص است تاریخ بشریت این را به ما یادآوری می‌کند که ذات بشر ترکیبی از زیاده‌خواهی، قدرت‌طلبی و احساس رقابت است که موجب می‌شود فرد بسوی قدرت سوق داده شود.
در بسیاری اوقات از روش‌های غیراخلاقی و غیرسیاسی استفاده کرده است و به هر اقدامی پناه می‌برد. زمانیکه که در دست گرفتن قدرت از سوی فردی که فاقد هر گونه ارزشی انسانی است، به هدف مبدل می‌شود؛ دیگر اهمیت چگونگی بدست آوردن آن کم‌رنگ می‌شود. تجاوز، کشتار، تحریف، جرم و غارت به ابرازی برای رسیدن

۲۶ شهریور امسال ۲۸ سال از ترور میکونوس که رهبران حزب دمکرات کوردستان ایران و در رأس آن دکتر "شرفکندی" جانشین شایسته به حق دکتر "قاسملو" در آن ترور شد، می‌گذرد. در این اقدام تروریستی همچنین فتاح عبدلی، همایون اردلان و نوری دهکردی در رستوران میکونوس به شهادت رسیدند. این ترور به دنبال نشست ۲۰مین کنگره انترناسیونال سوسیالیست بدست تروریست‌های رژیم ایران اتفاق افتاد.
در تاریخ بشریت همیشه بوده و هستند فرد یا افرادی که روابط خود را با دنیای اطراف با تهدید و رعب و وحشت به پیش برده‌اند. حذف فیزیکی به مانند واکنشی نشان از عدم تحمل طرف مقابل و

"مصطفی هجری" در دیدار با نیروی پیشمرگه کوردستان بر توان و تأثیرات آنان در مبارزه تأکید کرد



"مصطفی هجری" مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران همراه با مسئول ارگان فرماندهی نیروی پیشمرگه کوردستان، از نیروی پیشمرگه کوردستان در کوهستان بازدید نمود.

در این دیدار، دو نیروی ویژه ۱۱۵ و ۱۲۲ نیروی پیشمرگه کوردستان، با انجام سان نظامی از این هیئت استقبال نموده و سپس فرمانده کل نیروی پیشمرگه کوردستان با استقبال فرماندهان نیروی پیشمرگه روبرو شد. "مصطفی هجری" فرمانده کل نیروی پیشمرگه کوردستان در چندین جلسه در خصوص آخرین تحولات کوردستان و منطقه و همچنین نقش نیروی پیشمرگه در این تحولات مطالبی ایراد نمود.

نامبرده از فعالیت و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر نیروی پیشمرگه تقدیرعمل آورد و نقش نیروی نیرومند پیشمرگه در تحولات را حائز اهمیت دانست. "هجری" در این مرحله از مبارزات ملی-دمکراتیک، شاخ را بعنوان

حامی مبارزات فراگیر شار وصف نمود و برای به هم متصل کردن این دو بخش مبارزاتی (شاخ و شار) تأکید ورزید.

مسئول اجرایی حزب دمکرات در جلسه ویژه خود با دو نیروی ویژه

حزب دمکرات کوردستان ایران، نامبرده نظر و پیشنهاد‌های خود درخصوص تاکتیک‌های نظامی و فعالیت پیشمرگه‌ها را تقدیم مسئول ارگان فرماندهی و فرماندهان نیروی پیشمرگه کوردستان کرد.

فرمانده کل نیروی پیشمرگه در بخشی از این جلسه به نقطه نظرات و سخنان نیروی پیشمرگه گوش فرا داد و سپس به پاسخگویی به این نقطه نظرات پرداخت. در میانه این دیدار، مسئول اجرایی

نامبرده نیروی نیرومند پیشمرگه کوردستان را ضامن پیروزی در مبارزات ملی کوردستان دانست و نیروی پیشمرگه را بعنوان بازوی پر توان ملت کورد، تأثیرگذار خواند.

۱۲۲ و ۱۱۵، وضعیت کنونی ایران، شرایط نابسامان زندگی روزمره مردم و نقش حزب دمکرات در این مرحله از مبارزات را بطور مفصل مورد بحث و بررسی قرار داد.

فرمانده نیروهای پیشمرگه کوردستان ادعای سپاه پاسدارن را رد کرد



به مناطق کوهستانی کوردستان حمله کرد و ارتفاعات "تلان" در منطقه "سیدکانی" را مورد هدف قرار داد. پس از این حمله موشکی، تپخانه‌های سپاه تروریست پاسدارن ارتفاعات "بربریزین" را به شدت بمباران کردند.

کوردستان با رد ادعاهای سپاه پاسدارن در مورد شهادت و مجروح شدن پیشمرگان در کوردستان اعلام کرد: "ما در این توپباران تلفاتی نداشته‌ایم و پیشمرگان کوردستان در سلامتی کامل قرار دارند." روز چهارشنبه ۱۹ شهریور سپاه تروریستی پاسدارن با راکت

در این رابطه "کاوه بهرامی"، فرمانده نیروهای پیشمرگه کوردستان در گفت‌وگو با آژانس خبرگزاری کوردپا اظهار داشت: "ادعاهای سپاه پاسدارن واقعیت ندارد و ما هیچ پایگاه ثابت در این منطقه نداریم." فرمانده نیروهای پیشمرگه

خبرگزاری "تسنیم" وابسته به سپاه تروریست پاسداران، در گزارشی منتشر کرده است: "سپاه پاسدارن در عملیاتی پایگاه‌ها و مقر نیروهای پیشمرگان کوردستان را هدف قرار داده و خسارات زیادی به مقرات آنها وارد کرده است."

دکتر "صادق شرفکندی" قربانی سبیت و سیاست حذف مخالفان جمهوری اسلامی در خارج شد



اعضا و هواداران حزب دمکرات کوردستان ایران در "ایلام" به مناسبت فرا رسیدن سالروز شهادت دبیرکل وقت حزب دمکرات، دکتر "صادق شرفکندی" و همراهان وی کاک "فتاح عبدلی" و کاک "همایون اردلان" پیامی منتشر نمودند.

متن پیام به شرح زیر است:

پیام اعضای حزب دمکرات کوردستان ایران از ایلام به مناسبت سالروز ترور شهید دکتر صادق شرفکندی با گرامیداشت نام و یاد دکتر صادق شرفکندی ۲۶ شهریور سالروز ترور و شهادت فرزند شایسته‌ای از کوردستان و رهبر گرانقدر دیگری از حزب دمکرات کوردستان است. دکتر صادق شرفکندی نویسنده‌ای چیره‌دست و آموزگاری توانا که بهره‌گیری از نیروی "قلم" را بعنوان یک سلاح موثر در مبارزات نسل‌های آینده ملت کورد اشاعه دادند و به موازات فعالیت سیاسی در چارچوب حزب دمکرات کوردستان ایران توانستند به عالی‌ترین مقامات حزب دست یافته و پس از ترور دکتر قاسملو عهده‌دار سمت دبیرکلی حزب شوند. وی نیز به مانند بسیاری

درد بر روح بلند آزادی‌خواهانه رهبران شهیدمان اعضای حزب دمکرات کوردستان ایران_ ایلام ۲۳ شهریور ۱۳۹۹

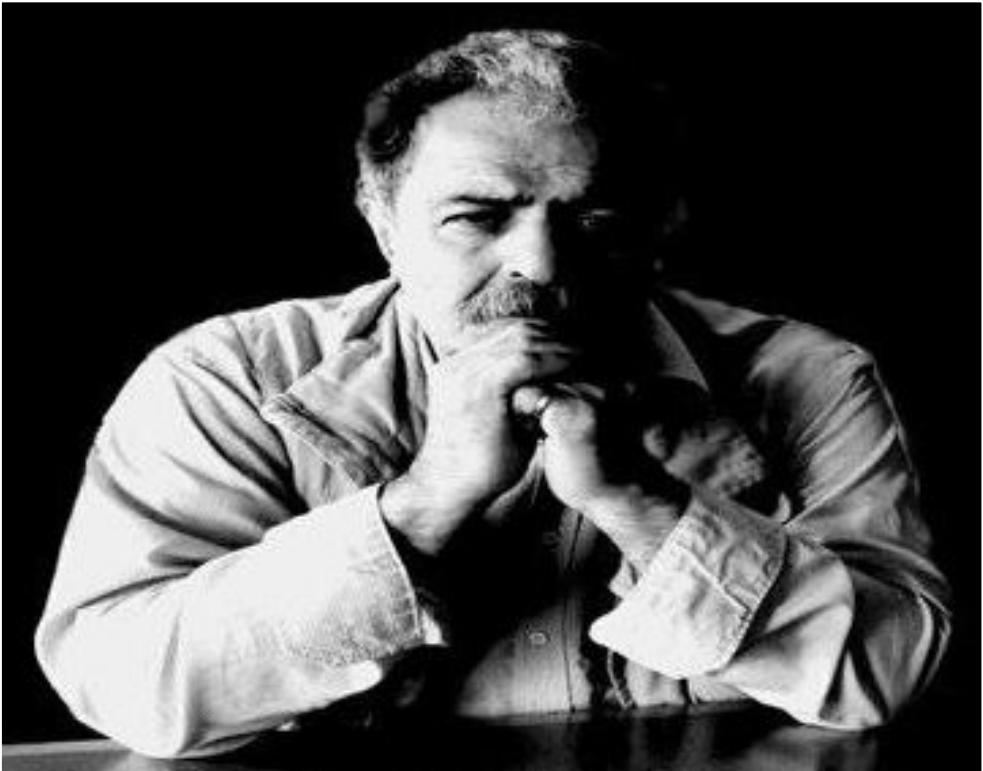
نرم و استراتژی هوشمندانه حزب دمکرات کوردستان ایران، در ترویج اندیشه‌های دمکراسی و آزادی‌خواهی، متأثر از نیروی "قلم" در سراسر کوردستان عزیزمان.

نیروهای تروریستی سپاه پاسداران به مقرهای حزب دمکرات کوردستان ایران را که نشان دهنده ضعف و زبونی جمهوری اسلامی است در مقابل قدرت

از عملیات تروریستی فرقه تهیه‌کار جمهوری اسلامی در میکونوس برلین و ترور دکتر شرفکندی را ابراز نموده و توأمان محکوم می‌کنیم حملات چند روز اخیر

از مقامات حزب دمکرات، قربانی سبیت و سیاست حذف مخالفان جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور شدند. پس از سال‌ها همچنان خشم خود

مستندساز و نویسنده نامی کورد با دنیای هنر وداع کرد



ژیان وه‌کوو خۆی (پ‌ۆمان) ۲۰۱۵ ضمن ابراز تأسف و تأثر برای فقدان این مبارز و مستندساز حزب دمکرات کوردستان ایران کورد، مراتب تسلیت خود را تقدیم شریک می‌داند.

محکوم شد. همزمان با انقلاب ملیت‌های ایران در سال ۱۳۵۷، همراه با دیگر زندانیان سیاسی عصر رژیم پهلوی آزاد و به کوردستان بازگشت و با همراهی جمعی از فعالان نامی شهری سندج مبارزات سیاسی خود را در صفوف حزب دمکرات کوردستان ایران ادامه داد. در کنگره ۵ حزب دمکرات در سال ۱۳۶۰ بعنوان عضو کمیته مرکزی حزب انتخاب و در کمیسیون انتشارات به مبارزات خود ادامه داد. کاک "تیفور" یکی از یاران و دوستان نزدیک رهبران فرزانه کوردستان دکتر "عبدالرحمن قاسملو" و دکتر "صادق شرف‌کنندی" بوده است. نامبرده جدا از مبارزات سیاسی، در کار هنری و بخش سینما و فیلم نیز فعالیت داشت. "تان و آزادی" یکی از آثار هنری کاک "تیفور بتحایی" است. وی بدلیل مشکلات خانوادگی

کاک "تیفور بتحایی"، مستندساز و نویسنده نامی کود و مبارز دیرین حزب دمکرات کوردستان ایران در سن ۷۳ سالگی در کشور "سوئد" درگذشت. کاک "تیفور بتحایی" سال ۱۳۶۲ شمسی در شهرستان "سندج" متولد و مراتب عالی تحصیلات را در این شهرستان به اتمام رساند. بعد از اتمام تحصیل بعنوان معلم در قالب طرح "سپاه دانش" مشغول به کار شد. نامبرده همچنین بین سالهای ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۲ در مدرسه‌ی "سینما و تلویزیون تهران" در بخش "تصویربرداری" به تحصیل پرداخت. کاک "تیفور" در دهه چهل شمسی بدلیل عضویت در سازمان چپ‌های عصر پهلوی ایران موسوم به "گروه دوازده"، در طرح گروگانگیری "قرح پهلوی"، همراه با دیگر مبارزین سیاسی ایران "کرامت‌الله دانشیان" و "خسرو گل سرخی" دادگاهی و به حبس ابد

۲۸ روزنامه و مجله در استان سندج توقیف شدند



در طول سه سال گذشته ۲۸ نشریه، روزنامه، مجله، فصلنامه، ماهنامه و سایر نشریات چاپی در پی تصمیمات رژیم در استان سندج توقیف شده‌اند. روزنامه نگاران در استان سندج در شرایط سختی مشغول به کار هستند و در طول چند سال

گذشته ۲۸ نشریه از سوی معاون مطبوعاتی استان به حالت تعلیق درآمده است. در این فهرست تعدادی از نشریات تنها نشریات علمی بودند و بقیه نشریاتی در مورد مسائل اجتماعی بوده‌اند. روزنامه نگاران در کوردستان در شرایطی دشوار قرار گرفته‌اند و

به هلاکت رسیدن بیش از ۱۰ تن از فرماندهان ارتش رژیم ایران در جنگ داخلی سوریه



رژیم ایران در جنگ داخلی سوریه علاوه بر سپاه تروریست پاسداران و شبه‌نظامیان شیعه وابسته به خود از ارتش نیز برای سرکوب مردم این کشور بهره جسته و تاکنون چندین تن از فرماندهان ارتش رژیم نیز در جنگ داخلی سوریه به هلاکت رسیده‌اند.

تحت فرمان نیروهای قدس سپاه تروریست پاسداران قرار دارند. از آغاز جنگ داخلی سوریه تاکنون هزاران تن از نیروهای سپاه تروریست پاسداران، ارتش و شبه‌نظامیان شیعه وابسته به رژیم ایران به هلاکت رسیده‌اند. رژیم ایران به بهانه حفاظت از حرم‌های متبرک اهل تشیع در جنگ داخلی سوریه شرکت نمود، اما هدف اصلی آن بر سر قدرت نگه داشتن رژیم حاکم سوریه و صدور انقلاب کذابی خویش بوده و تاکنون جنایات فراوانی در راستای بقای رژیم "بشار اسد" صورت داده و جوانان بی‌گناه و بی‌دفاع سوریه را به خاک و خون کشیده است.

یک جاش در پیرانشهر به هلاکت رسید



اطلاعیه اعلام کردند که پیشتر نیز، برادر این جاش به نام «ملا سید شیخه تسو» که از مزدور و جاسوسان سپاه می‌باشد، مورد حمله آنان قرار گرفته و به شدت زخمی شده بود.

جاسوسی و برنامه‌ریزی برای به دام انداختن مبارزان و میهن‌دوستان این منطقه، هدف حمله عقاب‌های زاگرس قرار گرفت و به سزای اعمالش رسید. «عقاب‌های زاگرس» در این

ویلاگ «عقاب‌های زاگرس» با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد که یک جاش خائن را در منطقه‌ی «لاجان» پیرانشهر به سزای اعمال پلید خود رسانده‌اند. در این اطلاعیه آمده است روز پنج‌شنبه بیست و هفتم شهریورماه، یک مزدور جنایت کار عضو سپاه تروریست پاسداران به نام «سید طاهر تسو» معروف به «سید طاهر ملا رشید»، اهل «کهنه‌لاجان» پیرانشهر در نزدیکی روستای «زویه» از سوی «عقاب‌های زاگرس» از پای در آمده است. این مزدور مسلح به جرم مخبری،

ایران به مستعمره چین تبدیل می‌شود



یکی از مسئولین وزارت آموزش و پرورش رژیم ایران از برنامه‌ریزی برای افزودن زبان چینی به فهرست زبان خارجه دانش‌آموزان در سال جاری تحصیلی خبر داد. "علی محبی"، سرپرست معاونت و برنامه ریزی آموزشی رژیم ایران، درباره آموزش زبان چینی در مدارس اعلام کرد که تا این مسئله در حال بررسی است و تا پایان سال جاری به سرانجام می‌رسد. این مسئول رژیم افزوده شدن آموزش زبان چینی و عربی به فهرست زبان‌های خارجی مدارس را "دادن حق انتخاب به دانش‌آموزان" توصیف کرده است. پیشتر نیز رییس پیشین سازمان پژوهش پیشنهاد ورود زبان چینی به فهرست آموزش زبان‌های خارجی مدارس را داده بود. رژیم ایران به شرط تداوم به حاکمیت خود حاضر است به مستعمره کامل چین تبدیل شود.

ادامه سخن

و به وی اتهام می‌زنند، دیگر برای آنان اهمیتی ندارد که آیا این اتهامات واقعیت دارد یا نه و حتی اگر اقدامی صورت داده باشد، آیا براساس همان قوانین ضدبشری خودشان، حکم صادره متوازن با اقدام نامبرده بوده یا نه؟ حیدر برای آنان اهمیتی ندارد، بلکه قربانی بودن وی حائز اهمیت است. آنان حیدر را تنها و تنها برای قربانی نمودن می‌خواهند تا مفت‌خوران خود در کوردستان را راضی نگه داشته و تشنگیشان به خون را رفع نمایند و مردم را نیز با ریختن و مشاهده خون حیدر به وحشت بیندازد. شاید چند هم‌پیاله ولی‌فقیه که در پایین سفره حکومت مشغول نوشیدن خون قربانیان هستند، برای رژیمی اشغالگر همچون جمهوری اسلامی، استدلال‌های واهی سر هم نمایند که چون کورد از خود دفاع کرده، پس ریختن خون آنان از سوی رژیم امری عادی است، اما هر اندیشه‌ای آزاد و اراده‌ای تسلیم‌ناپذیر دریافته که حیدر و حیدرها، تنها و تنها به اتهام کورد بودن قربانی می‌گردند.

حزب دمکرات:

شرفکندی، این سمبل پایدردی، رویاهای رژیم را آشفته نمود



شورای سیاستگذاری حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت ۲۸مین سالروز ترور میکونوس در بیانیه‌ای منتشر کرده است شرفکندی، این سمبل پایدردی، رویاهای رژیم را آشفته نمود و اجازه نداد که اهداف دشمن تحقق یابند.

متن بیانیه بدین شرح است:

بیانیه شورای سیاستگذاری حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت بیست و هشتمین سالگرد ترور دکتر صادق شرفکندی و همزمانش امسال برای بیست و هشتمین بار یاد قربانیان تروریسم دولتی جمهوری اسلامی ایران در برلین را گرامی میداریم. در مورخه ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ میلادی (برابر با ۲۶ شهریور ۱۳۷۱ خورشیدی) "دکتر صادق شرفکندی" دبیرکل وقت حزب دمکرات کوردستان ایران و یارانش "کاک فتاح عبدلی"، نمایندهی حزب در خارج از کشور، "کاک همایون اردلان" نمایندهی حزب در آلمان و "کاک نوری دهکوردی" فعال سیاسی مشهور اپوزیسیون ایرانی در رستوران میکونوس برلین آلمان آماج حملهی تروریستهای جمهوری اسلامی قرار گرفته و به شهادت رسیدند.

دکتر شرفکندی، که به منظور شرکت در نوزدهمین کنگرهی اینترناسیونال سوسیالیست (۱۵ تا ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲) عازم آلمان شده بود، پس از پایان کنگره، جهت دیدار و تبادل نظر، با شماری از شخصیتهای عضو اپوزیسیون ایرانی، در رستوران میکونوس گرد هم آمدند. که یک تیم تروریستی جمهوری اسلامی وارد رستوران شده و آنان را هدف رگبار مسلسل قرار داده و به شهادت رساندند.

رژیم جمهوری اسلامی ابتدا با تهدید و تلاش فراوان در صدد بود که از محاکمه‌ی تروریستها ممانعت به عمل آورد. لیکن اراده و عزم جدی دادستان و قضات آلمانی برای حفظ استقلال دستگاه قضایی کشورشان، مانع از به نتیجه رسیدن فشارها و تهدیدات جمهوری اسلامی به منظور منحرف نمودن روند عادی دادرسی گردید.

دادگاه برلین که به "دادگاه میکونوس" شهرت یافت، در ۲۸ اکتبر ۱۹۹۳ آغاز به کار نمود و در مورخه‌ی ۱۰ آوریل ۱۹۹۷ میلادی (۲۱ فروردین ۱۳۷۶ خورشیدی) حکم خود را در رابطه با ترور برلین صادر نمود.

در حکم دادگاه میکونوس به صراحت رهبران جمهوری اسلامی در بالاترین سطوح یعنی علی خامنه‌ای رهبر رژیم، هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور وقت رژیم و علی اکبر ولایتی و علی فلاحیان وزرای خارجه و اطلاعات دولت رفسنجانی و همچنین محسن رضایی فرماندهی سپاه پاسداران جمهوری اسلامی را به عنوان طراح و عامل ترور دکتر صادق شرفکندی و یارانش معرفی نمود

و تروریستها را دستگیر و به زندان محکوم نمود. اهمیت تاریخی دادگاه میکونوس در این بود که پس از ارتکاب دهها جنایت، برای نخستین بار یکی از اقدامات تروریستی رژیم اسلامی ایران در خارج از کشور، در یک دادگاه ذیصلاح افشا گردید، تروریسم دولتی جمهوری اسلامی آشکار شد و این حکم مایه‌ی رسوایی نظام "ولایت فقیه" گردید و استفاده‌ی جمهوری اسلامی از حربه‌ی ترور و تروریسم به عنوان ابزاری برای نیل به اهداف سیاسی آشکار شد.

در پاسخ به این سوال که چرا جمهوری اسلامی دکتر صادق شرفکندی را ترور کرد، می توان به چندین عامل اشاره نمود، لیکن در این مقال به دو عامل اساسی تر بسنده می شود. نخست: هنگامی که جمهوری اسلامی در ۱۳ ژوئیه‌ی ۱۹۸۹ میلادی دکتر عبدالرحمان قاسملو، رهبر نامدار ملت کورد را در شهر وین پایتخت اتریش بر سر میز مذاکره ترور نمود، امیدوار بود که پس از این رهبر بزرگ، حزب دمکرات کوردستان ایران نیز به زانو درآید و جنبش کوردستان ایران دچار ضعف و شکست شود و در کوردستان اثری از مبارزه علیه رژیم بر جای نماند.

پس از دکتر قاسملو رهبری حزب دمکرات به کف باکفایت دکتر صادق شرفکندی سپرده شد و حزب دمکرات تحت رهبری حکیمانه، توانمند و شجاعانه و اراده‌ی پولادین دکتر شرفکندی، در نهایت شایستگی پرچم مبارزات را در اهتزاز نگه داشت و راه رهبر بزرگمان قاسلو را پیروزمندانه ادامه داد.

شرفکندی، این سمبل پایدردی، رویاهای رژیم را آشفته نمود و اجازه نداد که اهداف دشمن تحقق یابند.

دومین عامل به نقش تعیین کننده حزب دمکرات کوردستان ایران در جنبش برحق مردم کوردستان باز می گردد.

جمهوری اسلامی از همان آغاز انقلاب ملیتهای ایران دریافته بود که مبارزات ملی دمکراتیک مردم کوردستان در راه رهایی ملی، سکولاریسم، دمکراسی و تامین حقوق برابر برای زن و مرد و...، مغایر با فلسفه، ماهیت و مبانی نظام ولایت فقیه بوده و حزب دمکرات کوردستان ایران در انتشار و گسترش این باورها و ارزشهای مترقیانه در جنبش کوردستان نقشی اساسی ایفا می کند. به همین جهت، جمهوری اسلامی از همان بدو روی کار آمدن خود تاکنون، حزب دمکرات کوردستان ایران را به عنوان یکی از اهداف مشخص و اصلی سیاست سرکوب، ترور و خشونت خود قرار داده است.

بدون تردید با شهادت دکتر صادق شرفکندی، حزب دمکرات کوردستان ایران رهبری برجسته و توانمند را از دست داد و جنبش

حکومت ایران سعی می کند استیصال و ناتوانی خود در حل مشکلات و بحرانهای کشور را ناشی از تأثیر تحریمهای بین المللی وانمود کند. تردیدی نیست که تحریمهای اقتصادی زندگی را بر مردم فقیر دشوار نموده، لیکن تمامی ملیتهای ایران می‌دانند که عامل اساسی اعمال چنین تحریمهایی، سیاستها و اقدامات خود جمهوری اسلامی است. شعار تظاهرکنندگان ایران (دشمن ما همینجاست، دروغ میگویند آمریکا) آشکارترین دلیل برای اثبات این مسأله است که مردم ایران خود رژیم را سرچشمه و منشأ اصلی فلاکت و تیره روزی های خود می‌دانند.

مگر پس از توافقنامه‌ی موسوم به برجام بخش قابل ملاحظه‌ای از تحریمها لغو نشد و حدود ۱۵۰میلیارد دلار به دست رهبران رژیم نیفتاد؟ حکومت به جای آن که این مبلغ هنگفت را صرف بازسازی و سامان دادن اقتصاد آشفته‌ی کشور و کاهش بیکاری، فقر و رسیدگی به وضعیت طاقتفرسای معیشت مردم نماید، بخشی از این پول از سوی مقامات رژیم به تاراج رفت و بخش دیگری

از آن در راه حمایت از تروریسم بین المللی و گسترش تروریسم و بی ثباتی در کشورهای منطقه به هدر گردید.

جمهوری اسلامی به عنوان حکومتی ایدئولوژیک و غیرمسئول حاضر است که در جهت ماندگاری خود، ایران و سرتاسر منطقه را به ویرانی بکشاند.

جمهوری اسلامی مشروعیت خود را از دست داده است و در تلاش است تا از بن بستی که بدان گرفتار آمده رهایی یابد، علیرغم تبلیغات دروغین مداومش شکست ناپذیر نیست همچون تمامی رژیمهای مستبد دیگر، به خشونت و تشدید سرکوب فعالان سیاسی و مدنی و معترضان داخل کشور پرداخته لیکن این اقدام حکومت نه تنها نشانه‌ی اقتدار و تسلط آن بر اوضاع نیست، بلکه بیانگر از دست رفتن روحیه و اعتماد به نفس رژیم نیز هست.

در این رابطه ما به عنوان ملت کورد می‌توانیم با اتحاد و گفتمان و پلاتفرم مشترک، احزاب و سازمانها و با حمایت مردم کوردستان به مقابله با توطئه‌های جمهوری اسلامی ادامه داده و دشمن را به عقب نشینی وادار

کنیم و با تأمین حقوقمان، روان پاک شهیدان میکونوس و دهها هزار شهید دیگر ملتمان را شاد کنیم.

مجددا تاکید می‌کنیم که حزب دمکرات کوردستان ایران در راه تحقق اتحاد و انسجام صفوف جنبش کورد، از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد کرد.

گرامی باد یاد و خاطره‌ی رهبر برجسته‌ی ملتمان، دکتر صادق شرفکندی و یارانش کاک فتاح عبدلی، کاک همایون اردلان و کاک نوری دهکوردی

درد بر روان پاک شهدای حزب و تمامی شهدای راه رهایی کوردستان

برقرار باد مبارزات حزب دمکرات کوردستان ایران تا تحقق آزادی و کسب حقوق انسانی

متحد و منسجم تر باد مبارزات مشترک نیروهای فعال در جنبش کوردستان ایران در راه تحقق آرمانهای ملی و دمکراتیک ملتمان

حزب دمکرات کوردستان ایران
شورای سیاستگذاری
شهریور ۱۳۹۹
برابر با سپتامبر ۲۰۲۰

ما انسان‌ها چگونه می‌توانیم با خودمان به صلح برسیم؟



مفتار نقشبندی

حدود ۴۰ سال از نامگذاری روز ۲۱ سپتامبر به عنوان روز جهانی صلح از سوی سازمان ملل می‌گذرد اما هنوز یک قدم جدی و با برنامه برای برقراری صلح در جهان برداشته نشده است و شواهد نشان از افزایش تنش‌ها در چند دهه آینده می‌دهند اما چرا ما انسان‌ها با خودمان به صلح نرسیده‌ایم؟ چرا ما که در حال کاوش فضا و در حال تلاش برای مسکونی کردن سیارات دیگر و در جستجوی موجودات هوشمند فضایی به امید برقراری ارتباط با آنان هستیم نمی‌توانیم بدون تنش و خشونت و جنگ در کنار یکدیگر زندگی کنیم؟ سخنان زیبا و تکراری سیاستمداران در چنین روزی دردی از مشکلات بشریت حل نمی‌کند، سخن کافست و باید قدم اول را برداریم اما چگونه و از کجا شروع کنیم؟ برای رسیدن به جواب این سوال بهتر است ابتدا نگاهی به وضعیت کنونی جهان و مشکلات و تنش‌ها و جنگ‌های آن بندازیم.

هم اکنون ما انسان‌ها با جمعیتی حدود ۷ میلیارد و ۷۰۰ میلیون نفر و تولید ناخالص داخلی ۸۷۶۹۸ میلیارد دلار (بانک جهانی ، ۲۰۱۹) با یک ساختار ناعادلانه سیاسی و با اختلاف طبقاتی بسیار زیادی در حال زندگی هستیم و علیرغم نیاز شدید حدود ۱ میلیارد انسان به کمک غذایی حدود ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان یعنی ۱۷۰۰ میلیارد دلار را صرف مسائل نظامی برای جنگ و کشتن یکدیگر می‌کنیم! در این ساختار سیاسی ناعادلانه، هر کشوری منافعهش برایش در اولویت است و با استفاده نادرست از منابع جهانی برای رقابت ناسالم اقتصادی ضربات شدیدی به محیط زیست وارد کرده‌ایم و باعث انقراض بخش قابل توجهی از حیوانات و گیاهان شده‌ایم و علیرغم هشدارهای مداوم دانشمندان در مورد عوارض گرمایش کره زمین هنوز هم حاضر به تلاشی مشترک و جهانی برای جلوگیری از بدتر شدن اوضاع محیط زیست نیستیم، به علت نبود برنامه مشترک جهانی افراط و تفریط سراسر جهان را در همه موارد در بر گرفته است، در حالیکه بعضی کشورها با مشکل رشد منفی جمعیت مواجه هستند بعضی کشورهای دیگر با مشکل افزایش شدید جمعیت مواجه شده‌اند، سرانه اقتصادی کره زمین حدود ۱۱۴۰۰ دلار است اما سرانه برخی کشورها ده‌ها هزار دلار و برخی دیگر کمتر از هزار دلار و در داخل کشورها هم اختلاف طبقاتی زیاد است، در حالیکه بخشی از مردم جهان به دلیل پرخوری به مشکلات و بیماری های ناشی از چاقی گرفتار شده‌اند حدود ۲ میلیارد انسان به دلیل فقر شدید و ناامنی غذایی در رنج و گرسنگی هستند. تضاد منافع و رقابت‌های ناسالم کشورها و افراط گرایی

مذهبی و نژاد پرستی دلایل اصلی جنگ‌ها و تنش‌ها و کشتار انسان‌ها به دست یکدیگر هستند و متأسفانه جنگ و ناامنی خسارات بسیار زیادی به اقتصاد و محیط زیست جهانی وارد کرده و باعث آوارگی ده‌ها میلیون انسان شده است، در حالی جامعه جهانی قادر به حل مشکل کنونی مهاجرت و پناهنجویی ناشی از جنگ و ناامنی نیست موسسات مختلفی از جمله موسسه صلح و اقتصاد پیش‌بینی کرده‌اند که تا ۳۰ سال دیگر حدود ۱ میلیارد انسان به دلیل تغییرات آب و هوایی مجبور به ترک زادگاهشان خواهند شد! هر چند پس از جنگ جهانی دوم در زمینه حقوق بشر تلاش‌هایی در سطح جهان انجام گرفت اما هنوز تبعیض جنسیتی و نژادی و مذهبی در اکثر نقاط جهان وجود دارد و انسان‌های زیادی بخاطر تفاوت‌هایشان مورد ظلم و تبعیض و شکنجه و کشتار قرار می‌گیرند و حتی هویتشان انکار می‌شود از جمله انکار هویت و حقوق ملی کردها و انکار سرزمینی به نام کوردستان در حالیکه از حدود ۲۰۰ کشور جهان تنها ۳۰ کشور جمعیت شان از ملت کورد بیشتر است (اگر جمعیت کوردستان را ۴۵ میلیون نفر در نظر بگیریم)، انسان‌ها برای خود ساخته ایم، قبل از صحبت درباره اینکه چرا دچار چنین مشکلاتی شده‌ایم و راه حل چیست بهتر است نگاهی به آینده بیندازیم اگر با همین شیوه ادامه بدهیم.

مشکلات پیش روی ما انسان‌ها تنها تغییرات اقلیمی و مشکلات ناشی از آن نیست و مشکل اصلی افزایش تنش‌ها و جنگ در جهان به دلیل تغییر موازنه قدرت است، برای اینکه از بحث اصلی زیاد دور نشویم با چند مثال این موضوع را در چند خط توضیح می‌دهیم، هم اکنون پنج عضو دائم شورای امنیت یعنی آمریکا و روسیه و چین و انگلستان و فرانسه با استفاده از قوانین و مقرراتی که خودشان آن را تعیین

کرده‌اند به نفع منافع خودشان در همه مسائل جهانی دخالت و تعیین تکلیف می‌کنند، دلیلی که این پنج کشور امتیازات ویژه ای در ساختار سیاسی جهان دارند این است که در زمان تعیین این قوانین و مقررات از نظر اقتصادی و نظامی قدرتهای مهم جهان بودند اما هم اکنون کشورهای جهان سوم رشد اقتصادی بیشتری نسبت به چهار عضو دائم شورای امنیت و بعضی قدرتهای منطقه ای دارند و به مرور زمان فاصله این کشورها با این قدرتها کم می‌شود و حتی جایگاه بعضی قدرتها تغییر پیدا خواهد کرد و با تغییر موازنه قدرت اگر ساختار سیاسی جهان تغییر پیدا نکند جنگ و تنش‌ها افزایش پیدا خواهند کرد و حتی احتمال بروز جنگ جهانی سوم هم وجود دارد، برای نمونه تا حدود ۱۵سال دیگر تولید ناخالص داخلی هند از مجموع تولید ناخالص داخلی انگلستان و فرانسه بیشتر خواهد شد و در تمام ابعاد از جمله نظامی به قدرتش خواهد افزود آیا خواهد پذیرفت که انگلستان یا فرانسه در شورای امنیت برای هند تعیین تکلیف کنند؟ فاصله قدرتهای منطقه‌ای در نقاط مختلف جهان هم با قدرت های جهانی کم خواهد شد و این مسئله باعث به وجود آمدن ائتلاف‌ها و پیمان‌های جدید دو جانبه و چند جانبه بین کشورها خواهد شد و مطمئنا اعضای کنونی شورای امنیت به ویژه انگلستان و فرانسه نمی‌توانند به شیوه کنونی در مسائل جهانی دخالت کنند، از طرفی چین تا ۱۰ سال آینده از نظر اقتصادی از آمریکا پیشی خواهد گرفت و با رشد سریع اقتصادی و سرمایه گذاری کلان در بخش نظامی فاصله قدرت نظامی اش هم با آمریکا روز به روز کمتر خواهد شد و این بزرگترین مشکل برای آمریکا و کلا کشورهای غربی خواهد بود و بر تمام مسائل جهانی هم تاثیرگذار خواهد بود و آمریکا به مرور جایگاه کنونی اش را از دست خواهد داد اما آیا آمریکا دست رو دست خواهد گذاشت و

تنها نظاره‌گر خواهد بود یا با تمام توان تلاش خواهد کرد چین را کنترل و مهار کند؟ در هر حالت اختلاف بین این دو قدرت افزایش تنش جهانی و جنگ نیابتی را در پی خواهد داشت. سال به سال با افزایش مشکلات ناشی از تغییرات اقلیمی و مشکلات کم آبی و تغییر تدریجی فاصله کشورهای قدرتمند با یکدیگر و با کشورهای جهان سوم به مرور تنش ها و جنگ‌های نیابتی و حتی جنگ‌های مستقیم افزایش پیدا خواهند کرد و اگر ساختار سیاسی جهان تغییر پیدا نکند احتمال بروز جنگ جهانی سوم زیاد است، لازم به ذکر است که هم اکنون ۹ قدرت هسته‌ای جهان حدود ۱۳۶۰۰ کلاهک هسته‌ای در اختیار دارند که ۹۰ درصد آن متعلق به روسیه و آمریکا است و هر لحظه آماده استفاده از آن هستند.

چرا به این مشکلات گرفتار شدیم و راه حل چیست؟ این‌که چرا ما انسان‌ها با خود می‌جنگیم و

علیرغم بصیرت و دانش حاضر به اتحاد برای حل مشکلات نیستیم سوال ساده‌ای نیست، به درازای تاریخ، انسان‌ها با همدیگر اختلاف داشته و جنگیده‌اند و ادیان و مذاهب و فیلسوفان و روشنفکران و روانشناسان در مورد انسان و نیازها و ترس‌ها و مشکلاتش نظر داده‌اند و صحبت کرده‌اند و دیدگاه‌های بسیار متفاوتی را بیان کرده‌اند به همین دلیل نمی‌توانیم یک راه حل آسان و کامل و مطلق برای حل همه مشکلاتمان ارائه بدهیم اما اگر به همین تفاوت‌ها بین انسان‌ها و نیازهای احترام بگذاریم و با دید مطلق به مسائل نگاه نکنیم می‌توانیم از بروز بسیاری از مشکلات و تنش‌ها جلوگیری کنیم و با خودمان به صلح برسیم، اگر به همان شیوه که بسیاری از کشورهای غربی توانسته‌اند حقوق همه اقشار جامعه را رعایت کنند در سطح جهانی عمل کنیم می‌توان به پایان همه جنگ‌ها و تنش‌ها امیدوار بود، احترام به تفاوت‌های جنسیتی و نژادی و مذهبی و

در دست نیست اما برآوردها نشان می‌دهد که جنگ‌ها و تنش‌ها چند برابر بودجه نظامی جهانی به اقتصاد جهان ضربه و ضرر وارد کرده‌اند! اگر ۱۰ در صد بودجه نظامی کشورها صرف تحقیقات و رقابت در زمینه تکنولوژی شود و ۹۰ درصد دیگر صرف کمک به فقرا و محیط زیست شود هم بسیاری از مشکلات حل خواهد شد و هم اقتصاد جهانی بدون مشکلات ناشی از جنگ و تنش بهتر و سریعتر رشد خواهد کرد و هم جامعه جهانی بدون استرس و عوارض روانی جنگ با مشکلات کمتری مواجه خواهد شد. اگر حکومتی جهانی داشتیم ویروس کرونا به این شیوه همه جهان را تحت تاثیر قرار نمی داد و مقابله با آن بسیار آسان‌تر می‌شد.

با توجه به افکار و روابط و شرایط انسان‌ها هنوز تشکیل یک حکومت جهانی یک رویا به نظر می‌رسد اما این رویا بهترین راه حل برای پایان مناقشات و جنگ‌ها و رسیدن به صلح و حل مشکلات جهان و تضمین یک زندگی خوب برای همه انسان‌ها است، انسان‌های زیادی در طول تاریخ با نیات خوب و بد تلاش کردند با تشکیل امپراطوری‌ها یا از طریق ادیان و ایدئولوژی یک حکومت جهانی تشکیل بدهند اما همه این تلاش‌ها جز جنگ و خونریزی بیشتر، نتیجه‌ای نداشت چون هر کسی قصد داشته جهان را بر اساس افکار و آرزوهای خودش متحد کند نه بر اساس تفاوت‌ها، هیتلر قصد تشکیل حکومت جهانی را داشت اما او صلح را در نابودی همه انسان‌ها به غیر از هم نژادانش می‌دید، خمینی و جانشینش خامنه‌ای هم همچون هیتلر برقراری حکومتی جهانی و پایان مناقشات و جنگ‌ها را در حذف همه انسان‌های مخالف ایدئولوژی‌شان می‌بینند، اردوغان هم همانند آنها، بسیاری از این دیکتاتورها آنچنان در باتلاق لذت قدرت و غرور فرو می‌روند که حتی آرمان‌هایشان را هم فراموش می‌کنند برای نمونه استالین، انسان‌های زیادی خواسته‌اند جهان را تغییر بدهند اما حتی قادر به تغییر خودشان نبوده‌اند و نتوانسته‌اند اعمال بدشان را تغییر بدهند. اما نباید ناامید شد و هر انسانی به اندازه توانش می‌تواند برای حل مشکلات و رسیدن به صلح مفید و موثر باشد، می‌توانیم تغییر جهان را با تغییر خود شروع کنیم، با کنترل نفس خود در درون با خود به صلح برسیم و در حد توان به دیگران کمک کنیم و در حفظ محیط زیست کوشا باشیم، نسبت به جنس مخالف و ملیت‌های دیگر رفتار تبعیض آمیز نداشته باشیم و به اعتقادات و تفاوت‌های دیگران احترام بگذاریم و هر آنچه را برای خود خوب می‌دانیم برای دیگران هم خوب بدانیم و هر آنچه را برای خود بد می‌دانیم برای دیگران هم بد بدانیم و نسبت به ظلم بی تفاوت نباشیم یا حداقل از ظالم پشتیبانی نکنیم، به امید بر قراری صلح در جهان.

راسان، حرکتی استثنایی که به قاعده تبدیل شد

جاقل

مبارزات سیاسی ملت کورد در برابر رژیم تهران لااقل در چهل سال اخیر دستخوش فراز و فرودهایی بوده است. اما تداوم این مبارزه با همه کیفیات و کمیت‌های آن سندی انکارناپذیر است تا ملت کورد همیشه به تاریخ مبارزاتی خود در برابر ظلم و ستم دستگاه سلطه طلب تهران افتخار کند. در همین حال تداوم این مبارزه حق خواهانه دلیل کینه ورزی بیشتر حاکمان تهران نسبت به ملت کورد بوده و هست. کینه ورزی سیستماتیکی که امروزه نه تنها در داخل جغرافیای ایران بلکه برون از مرزهای ایران هم به نسبت فرد فرد کوردستانیان نمود پیدا کرده است. افراد به اصطلاح روشنفکر و دگراندیش و اپوزیسیونی که در خارج از مرزهای ایران داعیه مبارزه با رژیم را سرمی‌دهند متأسفانه اغلب از لحاظ ذهنی زیر سلطه اسطوره‌های فاشیستی و تک ملیتی قرار دارند که نمی‌توانند یا نمی‌خواهند از چنگال این ذهنیت و اسطوره‌ها رهایی یابند. اغلب آنها نیز متأسفانه همانند دو رژیم تهران درباره مسئله ملیت‌ها در ایران می‌اندیشند و هیچ بعید نیست اگر روزی سکان قدرت را به دست بگیرند آنها نیز همان رفتارهایی را با ملت کورد نکنند که رژیم معلوم شاهنشاهی و رژیم منحوس آخوندی انجام می‌دهند. این دگماتیزم در اندیشه سبب شده که آنها خواسته‌های ملت کورد را قبول نکنند و به همین جهت از درک گفتمان و تحلیل‌های سیاسی احزاب و افراد آزادیخواه و حق طلب کورد عاجز باشند. حس‌های شنوایی و بینایی این افراد در جهتی دیگر سیر می‌کند و آنچه آنها می‌خواهند به دست گرفتن قدرت و امتیازات سیاسی و اقتصادی در تهران است نه تغییر بنیادین سیاسی در این جغرافیای ناهمگون و ملون. این امر به خودی خود موجب شده تا رسانه‌های کوردی و افراد روشنفکر و مبارزین کورد هزینه و زمان بیشتری صرف تفهیم خواسته‌های خود کنند. شاید اگر این افراد و جریانات غیر کورد با چنین ذهنیتی به مسئله کورد نمی‌اندیشیدند در همان روزهای اول انقلاب ملیت‌های ایران با ملت کورد و در رأس آن حزب دمکرات کوردستان ایران همراهی می‌کردند و با رد رفراندوم و همه پرسی فرمایشی و مجهول رژیم آخوندی، نه بزرگی به این ساختار سراسر پارادوکس و متحجر و فاسد می‌گفتند و بستر محقق شدنش را فراهم نمی‌کردند. اما افسوس دیگر آن روزها گذشته و ملت‌های ایران در طول چهل سال گذشته بهاهای سنگینی را با جان و مال خود برای این اشتباه و جمود فکری رهبران وپیشروان آن وقت خود پرداخت کرده‌اند .

در کوردستان تکثر احزاب و جریانات سیاسی هم بستری فراهم کرد تا حسادت و غرض‌ورزی به حزب و رهبر فقید آن مانع

همبستگی در میان مبارزین کورد شود. برهمین اساس رژیم درنده و تا دندان مسلح خمینی با فرمان جهاد دستور کشتار و ژینوساید ملت کورد را داد که تنها خواهان حق و حقوق انسانی و اولیه خود بودند. شهید عبدالرحمان قاسملو که درک عمیق و جامعی از سیاست بین‌المللی و منطقه‌ای داشت سعی کرد به هر نحو ممکن از وقوع فاجعه انسانی جلوگیری کند. دکتر قاسملو که ریسک نشستن بر سر میز مذاکره با دیپلمات تروریست‌های رژیم را به جان خرید تا لااقل در برهه‌ای از زمان جنایات رژیم را در کوردستان به حداقل برساند و ملت کورد را از حداقلی‌ترین حقوق خود بهره‌مند سازد. اما رژیم با ترور ایشان مجددا ثابت کرد که اصلاح پذیر نیست و ترور و انسان‌کشی به شیوه سیستماتیک و برنامه‌ریزی شده در تهران سازماندهی می‌شود. ترور و کشتارهای سابق و اعدام‌های روزانه و زندانی کردن و آواره شدن‌های مردمان این سرزمین تا اخیر نیز ادامه داشته و دارد. تاریخ چهل ساله اخیر ثابت کرده است که دولت‌های غربی علیرغم پروپاگاندهای حقوق بشری خود بیشتر منافع سیاسی و اقتصادی خود را در نظر می‌گیرند. آشکار است که امیدوار بودن به دول غربی برای براندازی رژیم آخوندی امیدی واهی و منشأ گرفته از بی عملی و ترس از درندگی رژیم تروریست تهران می‌باشد. کوردستان با همه توان تاکنون در برابر این رژیم جنایتکار ایستاده و شب و روزی نیست که جوانان این ملت دستگیر، شکنجه و اعدام نشوند. وضعیت معیشتی در کوردستان به نسبت جاهای دیگر ایران فوق‌العاده بدتر است. بیکاری و گرانی به مراتب بیشتر است. فرماندهان و مأمورین فاسد حکومتی در کوردستان آتش به اختیارتر عمل می‌کنند. اما ملت کورد از پا نایستاده و هزینه رسیدن به آزادی را در هر لحظه می‌پردازد .

بعد از چندین سال که حزب دمکرات کوردستان ایران بخشی از مبارزات میدانی خود را بخاطر مصلحت منطقه‌ای به حالت تعلیق درآورده بود، رژیم بهترین فرصت را در اختیار داشت تا مسئله کورد را به شیوه متمدنانه و سیاسی چاره سر کند. اما رژیم خو گرفته به جنایت، هیچگاه در پی این امر برنیامد بلکه در کشورهای همسایه به ترور و شهید کردن پیشمرگان حزب مشغول شد. در کوردستان روژه‌لات بیکاری و فقر را گسترش داد و تا جایی که توانست کوردستان را به مسیر ترانزیت و خرید و فروش مواد مخدر به کشورهای همسایه تبدیل کرد. رژیم در شهرهای کوردنشین برای ترویج افکار پوسیده و ایدئولوژیک خود خرج‌های هنگفت کرد. منابع طبیعی زمینی و زیرزمینی کوردستان را به تاراج برد. رژیم دموگرافی منطقه را تا جایی که برایش امکان داشت برهم زد و . . . با این توصیفات ملت کورد و جامعه کوردستانی حق داشت از رهبران بر حق ملت خود بخوانند که برای زیاده خواهی‌های رژیم

حد و حدودی بکشند. لازم بود تا نسل جدید جوانان ملت کورد با ارزش‌های ملی خود بیشتر آشنا شوند. مردم کوردستان باری دیگر در صف اول مبارزه با رژیمی قرار گرفتند که علیرغم آنکه ادعا می‌کند برآمده از اصول و مبانی اسلام ناب محمدی است اما پایبند به هیچکدام از اصول انسانی و دینی و اخلاقی نمی‌باشد. رژیم در عمل تنها یک ملت و یک مذهب را به رسمیت می‌شناسد و برای اشاعه و ترویج این مذهب در خارج از مرزهای کشور هم هزینه‌های مالی و جانی بسیاری کرد. اما به مرور زمان معلوم شد که آنچه رژیم بعنوان مذهب از آن نام می‌برد ایدئولوژی خود ساخته آخوندهای تهران برای در رأس قدرت ماندن است که با مبنای مذهب تشیع توفیر زیادی دارد.

در روزهای آغازین راسان روژه‌لات جوانان کورد با شور و شفع زیاد به تعقیب اخبار و مطالب گوناگون در این رابطه می‌پرداختند. کوردستان باری دیگر مجبور بود تا پیشرو باشد و مسلما این پیشرو بودن هزینه‌های فراوانی در برداشت. اغلب سیاستمداران و اپوزیسیون و به اصطلاح روشنفکران غیر کورد از این خوانش جدید حزب اظهار تعجب کردند. برخی در ضدیت با راسان در همسویی با رژیم قرار گرفتند. عده‌ایی سکوت کردند و بعضی هم در انتقاد از این گفتمان و خوانش، مطالبی در لفا فه ایراد کردند. اگر چه جریاناتی هم تبریک گفتند و از این حرکت دفاع کردند اما عده آنها معدود بود و رسانه همه گیری در اختیار نداشتند یا اگر هم در اختیار داشتند کمتر به زوایای آن پرداختند و در یک محدوده مشخص و اندک و گذرا از آن نام بردند. در میان احزاب و افراد و جریانات کوردستان وضع زیاد بهتر نبود. بیشتر افراد به نقد راسان مشغول شدند. و از هضم آن عاجز بودند. هر دو طیف ایرانی و کوردستانی از جایگاه و پایگاه مردمی حزب یا بی‌خبر بودند یا مطلع، آنها بر این باور بودند که در شرایطی که ایران و آمریکا در عالیترین و محکمترین سطح روابط قرار دارند و کشورهای اروپایی در زیر لوای برجام به مماشات با تهران می‌پردازند حزب دمکرات دچار تحلیل محاسباتی اشتباه شده !!! از دید آنها اگر حزب جایگاه مردمی قوی داشته باشد بی شک می‌تواند تا حدودی موفق شود که همین امر حسادت احزاب کوردستانی و ترس جریانات ایرانی را بهمرهه داشت. از سویی دیگر اگر حزب پایگاه مردمی ضعیف داشته باشد این امر به مثابه خودکشی ست و چه بسا آنها برای به در میدان بردن این رقیب دیرینه و این مبارز نستوه [حدکا] لبخند رضایت بر لب می آوردند .

آشکار بود آنها نمی‌توانستند چند فاکت را درک کنند.

۱) استقلال تصمیم گیری در حزب دمکرات

۲) میزان پشتیبانی مردم کوردستان از راسان و پایگاه مردمی حزب در کوردستان

۳) تحلیل و برآورد دقیق و درست

رهبری حزب از وضعیت جهان، منطقه و ایران

۴) اراده و باور پولادین پیشمرگان جان برکف حزب برای ادامه راه شهیدان و محقق کردن خواسته‌های ملت کورد

۵) پوشالی بودن قدرت رژیم و درک درست رهبری حزب از میزان فساد و تباهی روز افزون در میان نیروهای حکومتی و چندین دلیل دیگر

شاید این شانس یا سرنوشت حزب دمکرات بود که باید همانند نه گفتن به رفراندوم اول انقلاب اینبار نیز با صدایی بلند و فارغ از هرگونه ایهام و تناقض و تعارض پرچمدار پیشرو خط تازه مبارزاتی برعلیه رژیمی فاسد اما درنده باشد. شاید این تکرار تاریخ تنگ‌نظری و حسادت طیف‌ها و جریانات گوناگون و موج سواری باشد که در نهایت به ضرر خود آنها و همبستگی مبارزاتی برعلیه رژیم تمام می‌شد و بخشی از این آسیب نیز دامنگیر حزب دمکرات شد و می‌شود. حتی رسانه‌های خارج از ایران از پوشش خبری راسان کوتاهی می‌کردند و

می‌کنند. رژیم پلشت و روباه صفت خامنه‌ای که درک عمیقی از حزب دمکرات و ملت کورد داشت به جنگ نرم و سخت با راسان آمد. رژیم با نصب بیلوردهایی در تهران و جاهای دیگر سعی کرد که رهبر و فرد اول حزب را مقصر تمام آنچه رخ داده و به وقوع خواهد پیوست معرفی کند. موشکباران، دسیسه‌های پنهان و آشکار برای ترور. توپباران کردن مستمر مقرات حزب با گازهای سمی و خطرناک. برخورد شدید با افراد فعال در انجمن‌های ادبی و روشنفکری و دستگیری و ترور حافظان محیط زیست تنها بخش‌هایی از این جنایات همیشگی رژیم بودند که می‌توان گفت ملت کورد بخاطر رستاخیز مبارزاتی خود با کمال شرف و سخاوت آن را پرداخت کردند و هیچ چشمداشتی از کسی نداشتند و یک قدم هم در برابر رژیم عقب نشینی نکردند.

امروز چند سال از نقطه شروع راسان گذشته است. با وجدان بیدار و فارغ از هر نوع تعصب و دگماتیزم و جمود فکری میتوان قضاوت کرد آیا حزب دمکرات و رهبری آن برای علنی کردن و به حرکت در آوردن اندام‌های مبارزاتی جامعه کوردستان بر علیه رژیم برحق بوده‌اند یا نه؟ بعد از بیشتر از چهار سال و جانفشانی و شهادت پیشمرگان حزب و کم‌لطفی احزاب کورد و ایرانی معلوم می‌شود که حزب در تحلیل و برآورد محاسباتی برای مبارزه اشتباه نکرده بودند. رژیم در زمان اعلام راسان به واسطه برجام و مماشات دیپلمات‌های غربی در سطح ایده‌ال روابط بین‌الملل قرار داشت. نرخ ارز در مابین سه تا سه‌هزار و پانصد تومان بود و ... اما امروز می‌بینیم که رژیم در پایین‌ترین سطح روابط بین‌الملل قرار دارد. رژیم منزوی گشته و حتی توان فروختن نفت خود را با پایین ترین قیمت ندارد. نرخ ارز در زمان تایپ این مطلب ۲۷۰۰۰ تومان است و هیچ تضمینی

کوردستان



را تعلیق کند دیگر افکار عمومی کوردستان و روند سریع تغییرات و معادلات جهانی و منطقه‌ای با آن همراهی نخواهند کرد. حکومت ایران مدت‌هاست در مسیر ریزش و سرنگونی قرار گرفته و سوشیال میدیا بستر قداست‌زدایی آن را به دلیل فساد روز افزون نیروهای حکومتی فراهم کرده است. هر روز به نوعی و هر بار به دلیلی آگاهی مردم بیشتر و بیشتر می‌شود و صف حامیان حکومت خالی و بی اراده‌تر می‌شود .

به جاست در اینجا نقل قولی از آقای "مصطفی هجری" مسئول اول حزب در بعد از تظاهرات سال ۹۶ بیاورم. ایشان در آن زمان گفتند که مردم راه خود را پیدا کرده‌اند و این تظاهرات و مبارزات موجب می‌شود مردم رهبران خود را در بطن همین تظاهرات انتخاب کنند. امروز می‌بینیم همانطور که در کوردستان راسان موجب شد تا مردم با سمبل‌ها و اسطوره‌های خود آشنا شوند و در لباس، شعار، فرد با آنها مأنوس شوند و با به کارگیری آن رمزها اشتراک و همبستگی را در میان قشرها و طبقات گوناگون اجتماع ترویج دهند، در شهرهای دیگر ایران نیز زندانی کردن و اعدام و شکنجه موجب عقب نشینی مردم نشده است. بلکه تک تک این شهیدان و آزادیخواهان عدالت طلب تبدیل به اسطورهها و رمزهایی برای مبارزه و همبستگی شده‌اند. ما ملت کورد و اعضا و هواداران حزب دمکرات کوردستان ایران به واسطه تصمیم حکیمانه و بجای رهبری حزبمان در چند سال پیش به خود می‌بالیم و سربلندیم که پیشرو این مبارزات نوین تا براندازی کامل رژیم انسان‌کش آخوندی هستیم. در پایان امیدوارم جریانات سیاسی با چشم باز و بصیرت و دوراندیشی بیشتر به صف همبستگی برای مبارزه با رژیم پیبوندند تا بستر زیستن در مملکتی آزاد و فارغ از تبعیض را برای خود و نسل‌های آینده فراهم کنیم.

نیست تا چاپ مطلب بیشتر هم نشود. بیکاری، فقر، فساد افسار گسیخته ایران را در بر گرفته است. کوردستانیان برای نان روزانه مجبور به کولبری یا طی کردن کیلومترها راه زمینی هستند. گرانی و تورم آسایش ذهنی فرد فرد ایرانیان را از بین برده و رژیم به چاپ پول بدون پشتوانه مبادرت می‌کند. رژیم نه تنها توان بستن خلیج را نداشت بلکه حملات به نیروها و مقرات خود را در سوریه، لبنان، یمن، عراق، نادیده می‌گیرد. در برابر هلاکت قاسم سلیمانی جز یاوه گویی و چرندیات عملا کاری نکرده و نخواهد توانست که بکند. رهبری حزب دمکرات کوردستان ایران باری دیگر ثابت کرد که با دیدگاهی باز و فارغ از وهم و تعصب مسائل سیاسی را تحلیل می‌کند و با استقلال تمام اقدام به تصمیم گیری می‌کند. پیشمرگان حزب ثابت کردند که پایبند به آرمان‌های آزادیخواانه و عدالت طلبانه هستند و برای دستیابی به این ارزش‌های والا سخاوتمندانه جانفشانی می‌کنند. اگرچه در بیان، احزاب کوردستانی شاید گفتنش را انکار کنند یا طفره بروند اما مبرهن است که بستری که حزب در این چند ساله به واسطه راسان ایجاد کرد موجب همبستگی بیشتر این احزاب به یکدیگر شده است. امروز تقریبا همه احزاب و جامعه کوردستان در راسانی جمعی بر علیه حکومت شرکت دارند. حزب دمکرات دینامیزم اساسی این جنبش بود و هست. اگر چه جریانات ایرانی هنوز هم از پتانسیل‌های حزب دمکرات و کوردستان خود را به دور می‌گیرند و با اغماض و گمان و شاید هم غرض به این جنبش نگاه می‌کنند اما باز نباید نادیده گرفت که روند سریع تغییرات منطقه‌ای و جهانی و داخلی آنها را هم ناچار خواهد کرد تا در مسیر درست قرار بگیرند. امروز حتی اگر حزب دمکرات کوردستان ایران خود بخواند راسان

کودکان کار و سیاست‌های رژیم



پیشوا صالحی

عوامل اصلی آسیب‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای، فقر فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که با تبعیض و بی‌عدالتی رابطه‌ای مستقیم دارد.

فقر در این چهار عامل، موجب افزایش کودکان کار و خیابان در ایران و شرق کوردستان شده است به‌گونه‌ای که امروزه این کودکان تبدیل به برده‌های جنسی در جامعه شده و در معرض بیماری ایدز و کودک‌آزاری قرار گرفته‌اند.

بر اساس تعریف سازمان یونسف در سال ۱۹۹۷، کودکان خیابانی کودکانی در شهرها هستند که برای ادامه‌ی بقای خود مجبور به کار یا زندگی می شوند. در این تعریف دو فاکتور کار و

زندگی در نظر گرفته شده است، به‌همین دلیل می‌توان این تعریف را به دو مفهوم ساده تقسیم کرد؛ ۱- کودکان کار بی سرپرست که دلیل بودنشان در خیابان‌ها هم امرار معاش و هم عدم سرپرست و جایی برای ماندن می‌باشد.

۲- کودکان کار با سرپرست یا دارای خانواده که لزوماً به‌دلیل کمک به خانواده مجبور به روی آوردن به‌کار و خیابان‌ها می شوند و دلیل اصلی حضورشان در خیابان‌ها امرار معاش و کسب درآمد است، این طیف از کودکان شاغل که اکثراً از خانواده‌های کم‌درآمد و پرجمعیت هستند و دلیل حضورشان در خیابان‌ها کسب درآمد است، بعضاً به عنوان کمک خرجی برای سرپرست و خانواده به شمار می آیند و یا در بعضی از موارد سرپرستی برای خانواده، این گروه

از کودکان کار با خانواده‌هایشان در ارتباط بوده و بعضاً به مدرسه هم می‌روند.

اما طیف دوم کودکان کار که نه سرپناهی برای ماندن دارند نه سرپرست و خانواده‌ای، خیابان‌ها به منزله‌ی جایی برای کسب درآمد و خانه برایشان به شمار می آید، آن‌ها در خیابان در پی سرپناه و غذا هستند و دیگر افراد خیابانی برای آن‌ها در حکم خانواده‌ای می باشند که از داشتن آن محرومند!

این کودکان با مدرسه بیگانه بوده و به نسبت گروه اول بیشتر در خطر سوءاستفاده‌ی گروه‌های غیرقانونی و تبهکار قرار می‌گیرند و متأسفانه عمده‌ی فعالیت این کودکان شامل دست فروشی، تکدی‌گری، دزدی و تن‌فروشی است. دلیل اصلی افزایش کودکان کار

و خیابان، فقر شدید اقتصادی و سیاست‌هایی از پیش برنامه‌ریزی شده از جانب رژیم می باشد که با بقاء و ماندگاری رژیم همسویی مضاعفی دارد به زبانی ساده‌تر؛ بروز آسیب‌های اجتماعی و فقر در جامعه به منظور تشکیل جامعه‌ای خنثی و مطیع باب میل رژیم‌های دیکتاتوری و تمامیت خواه می باشد!

هر چند تا به حال آمار دقیقی از کودکان کار و خیابان در ایران و شرق کوردستان دردسترس نمی‌باشد اما کارشناسان، آمار کودکان کار را ۳ تا ۷ میلیون نفر تخمین می‌زنند که این آمار با مقایسه با جمعیت ایران و شرق کوردستان آماری تکان دهنده و تأسف بار می‌باشد. رژیم توتالیتری و ضد بشری جمهوری اسلامی هیچ گاه آمار دقیقی از آسیب های اجتماعی در ایران و شرق کوردستان را اعلام نکرده است، اما بنا به آمار خود رژیم ۴ تا ۵ درصد کودکان کار به ایدز مبتلا هستند و ۶ درصد از این کودکان که شامل ۵ درصد از پسران و ۱ درصد از دختران کار و خیابان می‌باشد، سابقه‌ی مصرف مواد مخدر را داشته‌اند.

کودکانی که باید آینده سازان جامعه و موجب رشد و شکوفایی جامعه باشند امروزه به معضلی بزرگ و آسیبی جدی برای جامعه‌ی ایران و شرق کوردستان تبدیل شده‌اند، دراصل این کودکان قربانی سیاست‌های نادرست و جاه‌طلبی رژیمی هستند که با شعارهای پوپولیستی و با نام دین

دیکتاتور و قاتلی برای روشنفکران تبدیل خواهد شد چون افراد لمبن از انسان‌های روشنفکر و آگاه بیزارند و اساساً هیچ چیز برایشان اهمیتی ندارد و دیکتاتور به راحتی می‌تواند آنها را با وعده‌های ناچیز با خود همراه سازد، به همین دلیل وجود هرچه بیشتر آسیب‌های اجتماعی باب میل رژیم های دیکتاتوری و موجب خشنودیشان می‌باشد.

حال با درک چنین آسیب های بزرگ و خانمان سوزی در جامعه و مشاهده‌ی قربانی شدن کودکان توسط رژیم جمهوری اسلامی ، آیا سکوت در برابر این ناعدالتی بزرگ به منزله‌ی همکاری با رژیم در کشتار و به فلاکت کشاندن فرزندان ایران و شرق کوردستان به شمار نمی آید؟ آیا زمان آن نرسیده به رژیمی که موجب بروز چنین آسیب های بزرگی در جامعه و عامل اصلی فقر و فلاکت و نقض آزادی ملیت های ساکن در جغرافیای سیاسی ایران است پایان داده شود؟ با توجه به اینکه تمامی شرایط قیام و پیدایش یک انقلاب در ایران فراهم می‌باشد بی گمان زمان پایان رژیم ضدبشری جمهوری اسلامی نیز فرا رسیده است و با درک و مشاهده‌ی وضعیت نا به‌سامان مردم و آسیب های اجتماعی همانند افزایش کودکان کار، سکوت در برابر رژیم تروریستی جمهوری اسلامی به منزله‌ی همکاری با رژیم برای به نابودی کشاندن فرزندان و نسل تازهی مردم ایران و شرق کوردستان به شمار خواهد آمد.

اقتصاد رژیم ایران در سراشیبی سقوط به قعر دره قرار دارد



منابع مادی و طبیعی و انسانی به سوی نابودی خواهد رفت. نامبرده در بخش پایانی سخنان خود به نسبت شرایط انفجارگونه مردم گفت: "در این ایام خدا خدا می‌کنم که بورس سقوط نکند، قیمت دلار افزایش پیدا نکند، تورم چهار نعل سر درنیارد، صبر و طاقت فقرا طاق نشود، بیکاران به خیابان نریزند، کارگران اعتصاب نکنند، ترامپ اقدامی صورت ندهد، اسرائیل تحریکمان نکند و نظامیان به اشتباه موشک پرتاب نکنند".

به جبران ناکارآمدی ما نیست و بحران‌ها یکی یکی در حال رسیدن هستند، باید هرچه سریع‌تر در شیوه زندگی خویش در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی تغییراتی ایجاد نماییم، در غیر این صورت بسیار زودتر از آنچه به آن می‌اندیشیم دیر می‌شود. "رنانی" همچنین گفت که این شرایط نشان دهنده آن است که مسیر کنونی ایران دیگر قادر به ادامه نیست و تجربه گذشته سیستم مدیریت ما جز ناکارآمدی و شکست را نشان نمی‌دهد و اگر بدین شکل ادامه یابد، جامعه و

"محسن رنانی" اقتصاددان وابسته به رژیم ایران با انتشار پیامی در فضای مجازی در خصوص وضعیت نابسامان اقتصادی ایران هشدار داده و گفت که اقتصاد و نظام تدبیر و بنگاه‌ها و سازمان‌ها و حتی خانواده‌ها نیز در جامعه ما ناکارآمد، فاسد و ناتوان شده است. این اقتصاددان وابسته به رژیم گفت: "همه ما در سراشیبی سقوط به قعر دره هستیم و دعا می‌کنم که کارگران و بازنشستگان تحصن نکرده که جوانان نا امید و خسته اقدام به شروع اعتراض نمایند". نامبرده افزود که دیگر نفت قادر

رژیم ایران برای جبران کسری بودجه خود شاخص بورس را دستکاری کرد



تولید و اشتغال نیز ندارند.

نامبرده همچنین افزود که اقتصاددانان حامی حکومت با شعارهای کاذب نرخ سود بورس ایران در بورس‌های جهان را در رتبه دوم اعلام می‌داشتند.

"غلامحسین دوانی" مجموع سهام فروخته شده در چند ماه اخیر را ۸۷ هزار میلیارد دلار اعلام کرد که آن را افراد تازه وارد بورس خریداری کرده‌اند. کابینه "روحانی" برای جبران کسری بودجه خود هیچ راهی به جز فروش اموال

یکی از اعضای انجمن حسابداران با غیر منطبق خواندن شاخص بورس با واقعیات اقتصادی ایران اعلام کرد که کابینه حکومت برای کسری بودجه سال ۱۳۹۹ خود بصورت آشکارا شاخص بورس را دستکاری نموده است.

"غلامحسین دوانی" عضو انجمن حسابداران گفت که شاخص بورس با واقعیات اقتصادی ایران همخوانی ندارد و تنها شاخص بیناگر معاملات کاغذی می‌باشند که هیچ ارتباطی با

و دارایی‌های خود نداشت و با بالا بردن مهندسی شاخص بورس، شرکت‌های زیان دیده خود را با قیمت‌های نجومی به فروش رسانید تا بتواند بخشی از کسری بودجه خود را جبران نماید. رژیم ایران دست طولانی در انحراف بازار بورس و ارز و طلا داشته و با مدیریت مهندسی و بالا بردن نرخ، همزمان با جبران کسری بودجه خود، جیب مردم را نیز خالی و بازار را از دست مردم خارج نموده و تحت کنترل خود قرار می‌دهد.

دکتر شرف‌مندی

متواضع

قاطع

مدبر

